

اسناد فارسی گرجستان (قرن شانزده تا هجده میلادی): ابعادی از بررسی زبان شناختی

هلن گیوناشویلی و تامار ابولادزه
مترجم: محبوبه سادات بیدگلی

چکیده

مخازن آرشیوی گرجستان در بردارنده مجموعه‌هایی ارزشمند از اسناد تاریخی است که روابط متقابل ایران و گرجستان را طی قرون شانزده تا هجده میلادی (ده تا دوازده هجری) نشان می‌دهد. زبان، واژگان، معناشناسی، سبک و عبارت‌پردازی این اسناد به‌وضوح توسعه ادبیات‌زبانی را در یک منطقه مشترک فرهنگی نشان می‌دهد. این مقاله به ارزیابی سندی می‌پردازد که توسط شاه‌عباس دوم در سال ۱۶۵۸ میلادی صادر شده و درخصوص اعطای تیول به‌پاپونا تسیت شویلی نماینده عمارت شاهزاده کارتل‌است.

کلیدواژه‌ها

اسناد تاریخی فارسی؛ گرجستان؛ ایران صفوی؛ تأثیر زبان شناختی؛
تیول؛ آزنا اور^۱.

فصلنامه آرشیو ملی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۶، صص ۵۲-۵۹

اسناد فارسی گرجستان (قرن شانزده تا هجده میلادی): ابعادی از بررسی زبان شناختی^۱

هلن گیوناشویلی و تمار ابولادزه | مترجم: محبوبه سادات بیدگلی^۲

مقدمه

گرجستان برحسب موقعیت جغرافیایی خود برای چندین قرن، منطقه مواجهه بین ملل شرقی و غربی بوده است. در قرن شانزدهم و هفدهم پس از سقوط قسطنطنیه و بازسازی بنیادین روابط میان آسیا و اروپا، گرجستان به طور کامل تحت تأثیر امپراطوری‌های ایران و عثمانی قرار گرفت. در این دوره تاریخی پیچیده، هم ایران و هم گرجستان با اتفاقات ایالتی و سیاسی جدید مواجه شدند. صفویان، دولت قدرتمند قزلباش را روی ویرانه‌های دولت ترکمانان بنا نهادند و چندین امیرنشین مستقل در سرزمین فعلی گرجستان پدید آمد: کارتلی و کاختی در گرجستان شرقی، پادشاهی امرتی در گرجستان غربی و امیرنشین سامتسخه-ساتباگو^۳ در جنوب. براساس معاهده صلح آماسیه در ۱۵۵۵ میلادی، شرق کشور و بخش شرقی سامتسخه به ایران و غرب و سرزمین‌های جنوبی آن به عثمانی واگذار شد.

روابط ایران و گرجستان از قرون شانزده تا هجده در منابع فارسی و فارسی-گرجی این دوره قابل مشاهده است. مرکز ملی نسخ خطی گرجستان و آرشیو ملی وزارت دادگستری، مجموعه‌های ارزشمند اسنادی را نگهداری می‌کنند که به طور مشخص وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرق گرجستان از جمله تلاش گرجی‌ها را در حفظ هویت و سیستم تمامیت ارضی ایشان منعکس می‌کند. این اسناد، نشان‌دهنده روابط فرهنگی و زبان شناختی گرجستان و ایران است. ۵۱۱ مورد از این مجموعه‌ها در مرکز ملی نسخ خطی، ۱۲۳۷ مورد در آرشیو ملی وزارت دادگستری و ۴ مورد در موزه هنری امیران شویلی^۴ گرجستان

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از: Brill,

journal of persian studies

5, (2012), pp.35-42

۲. کارشناس پژوهشکده اسناد، سازمان

اسناد و کتابخانه ملی ایران.

3. samtskhe-satabago

4. amiranshvili



نگهداری می‌شوند. منشأ این اسناد مؤسسات اداری قفقاز و خریدهای غیردولتی است. اسناد مرکز ملی نسخ‌خطی اغلب از موزه تاریخ و قوم‌شناسی بدین‌جا منتقل شده‌اند. این اسناد شامل فرمان‌های فارسی (واگذاری‌ها)، احکام، کتابچه‌های هدیه و خرید و عریضه به شاهان ایران و فرمانروایان گرجی که به اسلام گرویده بودند و تصمیمات ایشان است. در بین آن‌ها به‌وفور اسناد معاملات تجاری، قراردادها، رسیدهای تجاری و مالیاتی و عقدنامه‌های ازدواج وجود دارد. اسناد مزبور متناسب به گرجستان و دیگر مناطق قفقاز و مربوط به زمین‌داران گرجی، کاتولیک‌ها، حکام ارمنی و فرمانداران داغستان بوده و منبع ارزشمندی برای مطالعه روابط تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره اخیر گرجستان فئودال و ایران صفوی فراهم می‌آورند. اسنادی که توضیح داد شد، از نقطه‌نظر تاریخ هنر نیز اهمیت زیادی دارند؛ به‌طوری‌که نقاشی‌های بازیافته آن‌ها، هنر به‌کار رفته در نسخ‌خطی این دوره را نمایان می‌سازد. اسناد تاریخی که در مخازن آرشیوی گرجستان نگهداری می‌شود، ادبیات فاخری دارد. بخش زیادی از فرمان‌های فارسی و احکام مرکز ملی نسخ‌خطی و آرشیو ملی وزارت دادگستری توسط م. خوبوا^۱ و پوتوریدزه^۲، م. تودوا^۳ و ن. دوندوا^۴ منتشر شده‌اند؛ بیش از ۸۰ سند منتشر نشده نیز هنوز باقی مانده‌اند. لازم است تحقیقات میان رشته‌ای عمیقی صورت بگیرد تا ما را قادر سازد که موضوعات را در یک چشم‌انداز گسترده‌تر، با تأکید بر جنبه‌های مهم ارتباطات پارسی-گرجی مطرح کنیم.

ما علاقه‌مندیم به جنبه‌های مطالعه‌نشدهٔ زبان ساختاری اسنادی بپردازیم که تا به حال فقط در زمینه موضوعات اداری و زمین‌داری توسط محققان گرجی م. خوبوا، و. پوتوریدزه، ا. دولیدزه^۵، ن. بردزنی شویلی^۶، آ. اوچه شویلی^۷ و. گاباشویلی^۸، د. کاتاسیتازه^۹، ک. کوتسیا^{۱۰}، م. تودوا و ت. اباشیدزه^{۱۱} مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در مجموع این اسناد به تجزیه و تحلیل‌های تخصصی نیاز دارند و ما باید روی آن‌ها تحقیقات نظام‌مندی انجام دهیم. در حال حاضر ما به بررسی یک سند قرن هفدهم میلادی (یازده هجری) می‌پردازیم که با نام شاه‌عباس دوم (۶۶-۱۶۴۲ میلادی) و واختانگ پنجم شاهنواز (۱۶۵۸-۱۶۷۶ م.)، جانشین رستم‌خان فرمانروای کارتلی در ارتباط است.

این زمان یکی از دوره‌های بسیار جالب و پیچیده در تاریخ سیاسی و فرهنگی گرجستان است. دورهٔ «تجدید حیات گرجستان» که پس از فرمانروایی مغول در قرن شانزدهم میلادی آغاز شد. با چنین انگیزه مهمی از حرکت فرهنگی در ادبیات و تاریخ‌نگاری، میهن‌پرستی به‌وقوع می‌پیوندد. علی‌رغم بار سیاسی ضد گرجی اسناد فارسی و فارسی-گرجی، آن‌ها می‌توانند به‌عنوان بخش مهمی از تجدید حیات در نظر گرفته شوند. این اسناد، ستیز فرمانداران گرجی را برای حفظ تمامیت ارضی گرجستان نشان داده و بیانگر درجاتی از اسقلال طلبی هستند.

1. m.khubua
2. v. puturidze
3. m.todua
4. n.dundua
5. I. Dolize
6. N.Berdzenishvili
7. A. Vacheishvili
8. V. Gabashvili
9. D. katsitadze
10. K. kutsia
11. T.Abashidze



سند فارسی با نام pd7 (به تصویر پیوست مراجعه کنید) که در مرکز ملی نسخ‌خطی نگه‌داری می‌شود، توسط شاه‌عباس دوم در سال ۱۶۵۸ م. صادر شد. این سند درخصوص برقراری تیول^۱ برای پاپونا تسیت شویلی (بابونه سیسی اعلی در متن سند)^۲، نماینده عمارت شاهزاده کارتیل مشهور است.^۳ در سال ۱۶۳۲ م. شاه صفی این تیول را برای کیخسرو برادر پاپونا برقرار کرد. شاه‌عباس دوم در سال ۱۶۵۸ م. به شاهنواز دستور داد املاک را برای این خانواده مجدداً برقرار کند. مهر فارسی شاهنواز برای تأیید مجدد این تیول در انتهای سند اضافه شده است. سند را وزیر اعتمادالدوله تسجیل کرده و دو مهر تأیید نیز در صفحه دیگر وجود دارد. سند به طرز استادانه‌ای با گل و برگ‌های طلایی تزئین شده است. متن دارای تذهیب طلایی است و با مرکب سیاه و سرخ نوشته شده است. مهری با سجع شاه‌عباس دوم و دوازده امام درون یک گل روزت (نیلوفر) قرار گرفته که از طلای خالص ساخته شده است.

سند به‌عنوان فرمان واگذاری ایالت، یک رابطه ارباب رعیتی سه‌سطحی را به‌شکل توزیع سلسله‌مراتبی حقوق اثبات می‌کند. شاه (ارباب) به والی کارتلی (وکیل، مأمور) فرمان می‌دهد و در نهایت تیول را به یک نجیب‌زاده اعطا می‌کند. ساختار متن مانند متون سیاسی قرون میانه به‌طور کلی دارای عناصر متنی ثابتی است که به موضوعات مشخص تقسیم می‌شود.

همان‌طور که در بالا گفته شد، سند درباره واگذاری رسمی املاک فتودالی است (مأمولی^۴). در اسناد فارسی مأمولی گرجی با تیول ترکی-فارسی در ارتباط است. این شکلی از مالکیت زمین ایرانی است که توسط شاه یا فرمانروایان محلی به رعایای خراجگذار در ازای خدمات اشخاص نظامی و غیرنظامی بخشیده می‌شد. وضعیت مزبور به‌معنی مالکیت موروثی نبود؛ برعکس مأمولی نوع عمده‌ای از زمین‌داری گرجی بود. در سیستم گرجی به‌دست‌آوردن تیول فقط در قالب مأمولی بود. این موضوع سازگاری تأسیسات قزلباش را با سازمان فتودالیته گرجی نشان می‌دهد. سازگاری که با نظم اجتماعی-اقتصادی ایالت گرجستان شکل یافته بود (Gabashvili, 71; puturidze, I, p. 89).

مطالعه زبان‌شناختی اسناد تاریخی فارسی از جذابیت‌های خاص پدیده نفوذ واژگانی در حوزه اصطلاح‌شناسی اجتماعی است. این پدیده، به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی و روابط سیاسی-فرهنگی به‌وقوع پیوست.

1. fief

۲. مترجم

۳. برای ترجمه فارسی مراجعه کنید به puturidze, I, 73-75 ; khubua.

12, :

4. mamuli

5. aznāvar

6. aznauri

ما علاقه‌مندیم، نمونه‌ای از تأثیر زبان‌شناختی را با توجه به جزئیات در سند مورد بحث به آزمون بگذاریم؛ واژه ازناور^۵، برابر با ازناوری^۶ گرجی (قهرمان) با معانی شجاع، پهلوان، دلاور و قهرمان از گرجستان به ایران وام داده شد (انوری، ۳۴۸، ص ۱). اگرچه کلمه ازناور در نوشته‌های اسکندر بن منشی (۱۵۶۰-۱۶۳۳ م.) مستنداً دارای مفهوم اجتماعی است (انوری، ۳۴۸، ص ۱): «عظما و ازناوران در قلعه‌ها متحسن شده بودند».



واژه آزنا اوری در منابع متقدم گرجی نیز وجود دارد. این کلمه برای اولین بار در اثر تاریخ انبیاء قرن پنجم میلادی کشیش یاکوب تسورتاولی^۱، تحت عنوان شوشانیکیقدیس به کار رفته است. بر طبق گفته او، در اواخر قرن پنجم میلادی کارتلی توسط وارسکن پیتیآخس^۲ اداره می‌شد که با شوشانیک دختر واردن مامی کونیان^۳ فرماندار ارمنستان ازدواج کرد. به دلایل سیاسی، وارسکن به دین زرتشتی گرایش داشت اما همسرش با وی به مخالفت برخاست و در نتیجه کشته شد. در این اثر ما اطلاعات جالبی را در خصوص وضعیت واقعی کارتلی به همراه ردیفی از لغات جالب (با azat و zepur مقایسه شود) و در میان آن‌ها آزنا اوری (نجیب) می‌یابیم. در متون گرجی، آزنا اوری به معنی «آزاد» و نماینده طبقه بالای اجتماعی است (مقایسه شود با [āzāāt] فارسی میانه).

متون گرجی در بردارنده شواهدی از رتبه‌بندی ازناوران (نجبا) در این دوره است. در میان آن‌ها طبقه ممتاز «ازناوران بزرگ» قابل تشخیص است. اجازه دهید این واژه را در این عبارات بررسی کنیم: «و همان طور که او به مرزهای گرجستان نزدیک می‌شد، سرزمین هرتی، برای او پیش آمد که به نجبا (آزنا اورنی) و پسرانشان دسترسی یابد». «آن‌جا بانوان و زنان خاص، مردم محترم و عموم آمدند»^۴ (Tsurtaveli, 1938, 5, 42, tr. Long, pp. 46, 56). پس از آن در برخی متون مذهبی قدیمی به خوبی متون تاریخی شواهدی وجود دارد که آزنا اورنی تحت لوای ساسانیان ازناور^۵ زرتشتی فارسی میانه به معنی «نجیب‌زاده» به گرجستان آمده است (Machenzie, p. 16). محققان گرجی آزنا اور و شکل ارمنی آن azniu به معنی «نجیب، بزرگوار» (مقایسه شود با azn ارمنی به معنی «خویشاوند، قوم، نسل») را به عنوان اینکه از آزنا^۶ ایرانی آمده باشد، در نظر می‌گیرند. جایی که ā پیشوند است و znā به معنی «شناختن» (Andronikashvili, 1, 218-11; Chkheidze, 3-4, p. 168).^۷ معنی znāā در نظر آنان باید «مشهور، خوب و قهرمان» باشد (مقایسه شود با znatnyi, znat روسی (Fasmer, 2, p. 100)).

ه. و. بیلی^۸ اشکال گرجی و ارمنی آن را برگرفته از آزنا بارا^۹ ایرانی به معنی «دارای اصالت» در نظر می‌گیرد، جایی که ریشه zan-:zn- به معنی «متولد» است (مقایسه شود با ā-ysna ختنی «متولد خانه بزرگ، نجیب»، مقایسه شود با snaā اوستایی). بر طبق گفته او، کلمه «آزناور»^{۱۰} برای طبقه آزنا اور^{۱۱} واژه مهمی بود. این واژه گرجی هم‌چنین وارد زبان‌های اوستی، سوانی (aznavir) و ارمنی (aznavor) شد (Bailey, p. 17). آن را با نام مردانه Aznag، به گواهی متون سوانی، برگرفته از aznāka سکایی، به معنی «غریبه، خارجی» و <znā-، aznag> اوستی به معنی «دشمن، خارجی، مهمان» مقایسه کنید (Abaev, 1, 227; Andronikashvili, 1980, p. 37).

در فارسی نو، دیگر این واژه استفاده نشد و در موارد خاص به عنوان کلمه‌ای که از گرجی وام گرفته شده باشد، ظهور پیدا کرد.

1. jacob Tsurtaveli
2. varsken pitiaxsh
3. varden mamikonian
4. msgavsad misve saxisa
aznaurni did-didni de
zepurni dedani, aznaurni
da uaznoni softisa
kartlisani movides
5. [āznāwar|wɪ' zn'
6. aznā
۷. مقایسه شود با Ir. āznā
zana «خویشاوند، قوم، نسل»
(javakhshvili, 1, p. 191)
8. H. W. Bailey
9. aznābara



در فارسی نو، مارعیت^۱ به معنی «زارع» و «والی»^۲ را داریم. در ایران قرن هفدهم میلادی چهار والی در عربستان، لرستان، گرجستان و کردستان وجود داشت. مناطق شرق گرجستان - کارتلی، کاختی و تفلیس - به عنوان ولایت تعیین شد که تحت تسلط ایران بود. واژه والی با همان معنی در اسناد گرجی و فارسی - گرجی به کار رفته است. در متون گرجی ما عموماً با واژگان دیگری برخورد می‌کنیم که دارای معانی اجتماعی - اداری هستند: بتیلی^۳ (باطل فارسی عربی) به معنی «خنثی، باطل»؛ باراً^۴ (بهره فارسی) «نوعی مالیات»؛ گورد زاکالی^۵ به معنی «پیشکار، مباشر» و دَمَقْأً (تمغا، تمکا ترکی) به معنی «مهر، مالیات اجناس تجاری». جالب است که نمونه‌های ورود واژگان از این دست در متون فارسی نیز وجود دارند؛ مانند: ماماساخلی^۶ > ماماساخلیس^۷ گرجی به معنی «بزرگ خاندان» (Puturidze, 252, 443); تَوْدُ > تاود-سی^۸ گرجی به معنی «نجیب زاده» (puturidze, pp.147-463); مَوْرَوُ^۹، مَوْرَوُ^{۱۰} > مَوْرَوُی^{۱۱} گرجی به معنی «حاکم» (puturidze, 83, p. 52).

سند فارسی مورد بحث در سبک، اصطلاح‌شناسی و شیوه بیان، مشابه فرمان‌های رسمی است. شروع متن شامل نیایش، یاد نیاکان و طغرای «فرمان همایون شد» است. سپس به یک شیوه متعالی اما با سبک تجاری گونه اشاره شده است: «رفت پناه پاپونا تسیت شویلی»^{۱۲} و اجدادش»، کسانی که این تیول متعلق به آنان بوده است.

در متن سند، رستم‌خان و صفی‌خان با القابی ستوده شده‌اند که در سازمان اداری ایران به کار می‌رفت و در انتها از شاهنواز درخواست شده است؛ کسی که بر طبق فرمان شاه باید تعلق تیول را به پاپونا تسیت شویلی تأیید می‌کرد. وختنگ پنجم شاهنواز «عمده الخوانین الکرام»، «والی الایاله و الجلاله و الاقبال گرجستان»، «شجاعا للسلطنه» خودش هم حکم صادر می‌کرد^{۱۳}.

سند فارسی pdf7 از منظر ساختاری و زبان‌شناختی یک نمونه واقعی از فعالیت‌های اداری ایران در این دوره است. نوع و هویت سند با هدف صدور آن مشخص می‌شود. هم‌چنین گرایش‌های زبان‌شناختی این دوره و واقعیات سیاسی و فرهنگی در آن به هم گره خورده است.

1. ra'iyat
2. vāli
3. batil-i
4. bara
5. gordzakal-i < gorcakal (ارمنی)
6. damgha
7. māmāsākhli
8. mamasaxlis
9. tāvād
10. tavād-i
11. mowrāv
12. māvrāv
13. mourav-i

۱۴. پاپونه سیسی اغلی در متن فارسی سند

۱۵. به عنوان مثال سند فارسی شماره

(۱۶۵۹) pdf 128 در مرکز ملی

نسخ‌خطی که در آن شاهنواز چهل

تومان تبریزی مقرر برای کیخسرو پدر

پاپونه سیسی اغلی برقرار کرده است

(سند منتشر نشده است).



پیوست

فرمان شاه عباس دوم^۱:

هو

الملك لله

جد بزرگوارم طاب ثراه

[مهر: بنده شاه ولایت عباس ثانی]

فرمان همایون شد آنکه چون رفعت پناه بابونه بیک ولد کیخسرو بیک سیسی اغلی سواد حکم اشرف که بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۶۲ صادر کشته ابراز نمود خلاصه مضمون آنکه پروانچه نواب کیتی ستان فردوس مکانی عز اصدار یافته که موازی پنج خانوار ازناور و پنجاه خانوار رعیت از جمله ازناوران و رعایاء الکاء کارتیل که قبل ازین بیارسدان سیسی اغلی تعلق داشته بکیخسرو بیک سیسی اغلی شفقت شده بقید آنکه ازناوران و رعایا الکاء مزبور خود را بزبدۀ الاشباه مومی الیه متعلق دانسته از سخن و صلاح حسابی او بیرون نرفته رعایت و مراقبت او را لازم دانند و حکام کرام ذوی احترام ولایت گرجستان حسب المسطور مقرر دانسته بخلاف حکم و حساب مدخل در جماعت مزبوره ننمایند و استدعاء امضاء همیون نموده بوده‌اند و مقرر فرموده بوده‌ایم که مرحوم رستم خان والی گرجستان حکم نواب کیتی ستان فردوس مکانی را من اوله الی آخره بامضاء نواب همایون ماممضی و منفذ داند و درینولا استدعاء امضاء نواب همایون ما بعهدۀ عالیجاه والی حال گرجستان نمود بنابراین مقرر فرمودیم که سلطنت و جلالت پناه حشمت و بسالت دستکاه ابهت و نصف انتباه عالیجاه خلف السلاطین العظام عمدۀ الخوانین الکرام شجاعا للسلطنه و الایاله والجلاله و الاقبال شاه نواز خان والی گرجستان حسب المسطور مقرر دانسته حکم مزبور را من اوله الی آخره بامضاء نواب کامیاب همایون ما ممضی و منفذ داند و از آنقرار عملنماید درینباب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد نطلبند تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۰۶۹

ظهر سند:

از قرار نوشته(؟) وزارت و اقبال پناه عظمت و اجلال دستگاه عالیجاه مخلص بلاانتباه عمدۀ مقربان درگاه اعتمادالدوله العلیه و العالیه و الخاقانیه برضمن پروانچه سابق که نزد صاحب پروانچه است. محمد رسول الله

۱. این سند از جمله فرامینی است که ولادیمیر پوتوریدزه در سال ۱۹۶۱ م در کتاب خود «اسناد تاریخی ایران در کتابخانه انستیتوی آکادمی علوم گرجستان» گردآوری و منتشر کرده است:

Persidskie istoricheskie dokumnti v Knigokhranilishakh gruzi; Acta et Diplomata Historica Persice Scripta. Kiniga I, Vipouk 1, ed. V. Puturidz., Akademia Naouk Grouznskoy SSR, Tbilis Sumptibus Academiae scieniarum Georgiae.

در بازخوانی متن سند از ترجمه فارسی آن در مقاله «اسناد تاریخی ایران در کتابخانه انستیتوی تاریخ آکادمی علوم گرجستان» نوشته محمدحسین مرعشی و فاطمه مرعشی، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۱۳۹، آذر ۱۳۸۸: صص ۸۵-۹۷؛ که به معرفی اثر فوق پرداخته نیز بهره گرفته شده است (مترجم).



